



## تحقیقی درباره شخصیت و مکتب تفسیری ابن عباس

غلامحسین مرادی سرچشمه

دانشجوی دکتری، رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون

### چکیده

عبدالله بن عباس پسر عموی پیامبر اکرم یکی از بزرگترین مفسران قرآن در قرن اول هجری است. اندیشمندان مسلمان وی را شخصیتی مهم در شکل‌گیری دانش‌هایی چون تاریخ فقه، نحو، لغت و تفسیر قرآن به‌شمار می‌آورند و به‌طور ویژه وی در تفسیر قرآن جایگاهی ممتاز دارد. در میان مکاتب تفسیری صدر اسلام، وی مکتب تفسیری مکه را به‌عنوان اولین مکتب تأسیس نمود که نام آورترین شاگردان او عبارت بودند از مجاهد، عکرمه، مولی ابن عباس، سعید بن جبیر و عطاء بن سيار که در علم تفسیر منشأ تأثیرات بزرگ بوده‌اند. ابن عباس از ترکیب لغت استشهاد به اشعار جاهلی، روایت و رأی و اجتهاد خویش تفسیری را پی‌ریزی نمود که اساس و پایه تفسیر در کلام و الهام بخش همه مفسران بعد از خود قرار گرفت. کلید واژه‌ها: ابن عباس، قرآن، مکتب تفسیری.

### مقدمه

**عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب پسر عموی پیامبر گرامی اسلام (ص)**، جد اعلای خاندان بنی عباس از اصحاب پیامبر اکرم و حضرت علی (ع)، فقیه، محدث، مورخ و مفسر قرآن در قرن اول هجری بوده است. او پس از امام علی (ع) مشهورترین صحابی پیامبر اکرم (ص) در حوزه تفسیر قرآن به‌شمار می‌رود و اندیشه‌های تفسیری او مورد قبول فریقین می‌باشد.

جایگاه ابن عباس در علم تفسیر به اندازه‌ای است که به وی لقب پدر علم تفسیر داده‌اند. البته او به‌عنوان مفسر برجسته قرآن هرگز مقام تفسیری خود را با علی (ع) مقایسه‌پذیر نمی‌دانست و دانش تفسیر خود را مدیون او می‌دانست. ابن عباس از چهره‌های تابناک عرصه علم و دانش در صدر اسلام به‌شمار می‌رود و مهارت او در تفسیر و تأویل قرآن مشهور است. او از معدود یاران پیامبر اکرم است که بین فرهنگ قدیم موروثی (شعر جاهلی) و فرهنگ جدید مقدس (قرآن کریم) انسجام و هماهنگی ایجاد کرد. و مکتب و سبک تفسیری او اولین طرح علمی روش مندی است که با استفاده از شعر عرب به شرح واژگان قرآنی پرداخت و پس از او نیز شاگردانش بر دامنه تلاش‌های او افزودند.

در این مقاله تلاش خواهیم کرد تا با ارائه تصویری روشن از چهره این مفسر نامدار قرآن و جایگاه او در علم تفسیر، مکتب و دیدگاه و روش فلسفی او را به اختصار مورد بررسی قرار دهیم.

### زندگی، مقام علمی و مناصب ابن عباس

عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب بن هاشم عبد مناف پسر عموی پیامبر (ص) و جد بزرگ خاندان بنی عباس سه سال قبل از هجرت پیامبر از مکه به مدینه در شعب اَبیطالب متولد شد بنابراین ابن عباس هنگام رحلت پیامبر ۱۳ ساله بوده است. وی در سال ۶۸ هجری قمری در سن هفتاد یا هفتاد و دو سالگی در طائف از دنیا رفت و در همانجا به خاک سپرده شد.

او محدث، مفسر، فقیه و مورخ صدر اسلام و از اصحاب و یاران پیامبر اکرم (ص) و علی (ع) می‌باشد.

ابن عباس پس از علی (ع) مشهورترین صحابی پیامبر اکرم (ص) در عرصه تفسیر قرآن است و مورد قبول فریقین می‌باشد.

ابن عباس در تفسیر قرآن جایگاه رفیعی دارد تا جایی که به وی لقب پدر علم تفسیر را داده‌اند.

آنچه ابن عباس را این‌گونه مشهور کرده است فقط مهارت در تفسیر نمی‌باشد بلکه آگاهی و اشراف او در سایر علوم نظیر تاریخ، فقه و حدیث از وی شخصیتی کم‌نظیر ساخته است.



وی در زمان خود در زمینه شعر عرب، آگاه‌ترین فرد و بی‌رقیب شمرده می‌شد.

مهارت ویژه ابن عباس در تفسیر و تأویل قرآن جایگاه وی در علم تفسیر را تثبیت نموده است.

او از معدود صحابه ای می‌باشد که میان دو فرهنگ مختلف و نسبتاً متضاد قدیم موروثی (شعر جاهلی) و فرهنگ جدید مقدس (قرآن کریم) هماهنگی و اتحاد ایجاد نمود. و شاید بتوان گفت طرح وی در سبک تفسیری اش، اولین طرح علمی دقیق، منظم و روش‌مندی است که با استفاده از شعر عرب مبنای اصیلی برای تفسیر کلمات قرآن بکار گرفت. ابن عباس اولین کسی است که در مورد علم واژگان قرآن تحقیق نمود و لغات دشوار موجود در آیات قرآن را به کمک شعر جاهلی تفسیر کرد.

ابن عباس علاوه بر مقام رفیع علمی، مسئولیت‌هایی را نیز بر عهده داشته است از جمله:

- در جریان فتح آفریقا در زمان عثمان در سپاه عبدالله بن سعد بن ابی سرح، فرماندهی بخش مقدم ارتش اسلام را عهده دار بود.

- در جنگ‌های جمل، صفین و نهروان، همواره در کنار علی(ع) بود و با ناکشین و فاسطین و مارقین به سختی می‌جنگید.

- در جنگ صفین فرمانده جناح چپ سپاه بود.

- بعد از عثمان بن حنیف از طرف امام علی(ع) به ولایت بصره، خوزستان، فارس و کرمان منصوب شد.

- بعد از صفین از طرف امام علی(ع) برای شرکت در ماجرای حکمیت منصوب شد، اما اشعث بن قیس کندی به دلیل اینکه او از مضریان بود او را نپذیرفت.

- در جنگ نهروان، امام علی(ع) او را مأمور گفتگو با خوارج کرد.

### آثار ابن عباس

با وجود کثرت اقوال تفسیری از ابن عباس، در مورد اینکه خود وی تألیفی داشته باشد تردید وجود دارد، از مطالبی که در مورد برخی شاگردان ایشان نقل شده است، می‌توان فهمید که آنها پس از وی گفته‌هایش را تدوین کرده‌اند.

آثاری که به ابن عباس منسوبند عبارتند از:

۱- تنویر المعباس من تفسیر ابن عباس: فیروزآبادی صاحب قاموس، این تفسیر را در چهار جلد تألیف نموده و آن را از تفسیر طبری استخراج کرده است که مبتنی بر روایات ابن عباس است. این کتاب ابتدا در بمبئی و سپس در بولاق مصر به چاپ رسیده است.

۲- تفسیر ابن عباس: عیسی بن میمون و ورقاء آن را از ابو نجیح و او و حمیدبن قیس از مجاهد روایت کرده‌اند.

۳- تفسیر جلودی: عبدالعزیز جلودی آن را از روایات ابن عباس جمع‌آوری کرده است.

روایات فراوانی از وی در تفاسیر و کتابهای حدیث نقل شده است. ذهبی او را از بزرگان منابع فقه، حدیث و تفسیر معرفی کرده است. به گفته ذهبی و زرکلی ابن عباس ۱۶۶۰ حدیث نقل کرده است که بخاری، ۱۲ حدیث و مسلم ۹ حدیث از وی نقل کرده‌اند. بخش زیادی از روایات پیش بینی خلافت ابن عباس منسوب به اوست.

ابن عباس از پیامبر(ص)، علی(ع)، معادین جیل و ابوذر در روایت نقل کرده است.

بر پایه گزارشهای خود او، وی پس از رحلت رسول خدا(ص) در طلب علم و جمع‌آوری احادیث ایشان بسیار کوشیده و فقیه در علم دین بوده است (ابن حجر، جلد ۴، ص ۱۲۵).

او چگونگی عبادت‌های فردی پیامبر اکرم(ص) و نماز شب ایشان را روایت کرده است (البخاری، ج ۲، ص ۴۱ و ۴۲). این نشان می‌دهد که او می‌کوشیده همواره همراه رسول خدا(ص) باشد و پیامبر نیز به او توجه داشته است.

وجود این گزارش‌ها با اسناد گوناگون، که بیشتر خود ابن عباس آنها را روایت کرده است، به این معناست که وی بارها این افتخار را در محافل مختلف مطرح کرده است (احمدبن حنبل، جلد ۱، ص ۲۶۶ و ۳۱۴).

او با وجود سن کم، روایت‌های فراوانی از پیامبر(ص) نقل کرده است.

او همچنین در کودکی همواره همراه علی(ع) بوده و ایشان مربی علمی او بوده است. وی علم خود را در برابر علم علی(ع) قطره بارانی در برابر اقیانوس دانسته است (ابن ابی الحدید، جلد ۱، ص ۱۹).

او از نزدیک‌ترین افراد به علی(ع) بود. و روایت‌های زیادی در فضیلت‌های ایشان از پیامبر(ص) نقل کرده است. از او درباره علی(ع) روایتی بلند رسیده که در آن به مضامین احادیث رایت، دار، ابلاغ سوره براءت، نخستین مسلمانان، حدیث کساء، حدیث منزلت، لیله المبیث، سد ابواب و حدیث غدیر اشاره شده است (احمد بن حنبل، جلد ۱، ص ۳۳۰ و ۳۳۱).

مکتب کلامی، اعتقادی و فقهی ابن عباس

از مسائل مهم در زندگی ابن عباس رویکردهای اعتقادی و کلامی اوست. وی که از مهمترین راویان احادیث پیامبر اکرم(ص) و از برجسته ترین دانشمندان صدر اسلام است، بر اساس شواهد مختلف به امامت امامان دوازده گانه از نسل پیامبر(ص) اعتقاد راسخ داشته است. هنگامی که ابن عباس در بستر بیماری بود از شخصی به نام عطا مطلبی در مورد وی نقل شده است که مؤید این ادعاست: همراه برخی از بزرگان طائف در بیماری دم مرگ عبدالله بن عباس بر او وارد شدیم، او ناتوان شده بود، سلام کردیم و نشستیم، ابن عباس از من پرسید: عطا اینها چه کسانی هستند؟ گفتم: ایشان برخی بزرگان شهر هستند و عبدالله بن مسلم بن حضرمی طائفی، غماره بن اَبی ألاجح و ثابت بین مالک هم حضور داشتند.

من یک به یک از آنها نام بردم و آنان نزد او رفتند و گفتند: ای پسر عموی رسول خدا(ص)، تو پیامبر خدا را دیده و سخنان او را شنیده ای، ایشان پیرامون اختلاف این امت چه گفتند؟ گروهی علی(ع) را بر دیگران مقدم دانسته و گروهی دیگر او را پس از سه تن قرار داده اند؟ ابن عباس نفسی کشید و گفت: از رسول خدا(ص) شنیدم که فرمود: علی با حق است و حق با علی است. او امام و جانشین پس از من است؛ هر کس به او تمسک جوید رستگار می شود و نجات می یابد و هر کس از فرمانش سرپیچی کند، گمراه می شود. آری، او من را کفن می کند و غسل می دهد و قرضم را ادا می کند. او پدر دو سبط من حسن و حسین(ع) است و امامان نه گانه از نسل حسین هستند و مهدی این امت از من است. عبدالله بن سلمه بن حضر می گفت: ای پسر عموی رسول خدا(ص) چرا پیش تر اینها را به ما نگفتید؟ گفت: به خدا سوگند من آنچه را شنیده بودم، باز گفتم و شما را نصیحت کردم لیکن شما نصیحت کنندگان را دوست ندارید..... سپس مردم پراکنده شدند و ابن عباس به من گفت: ای عطا دستم را بگیر و من را به صحن خانه ببر، آنگاه دستهایش را به آسمان بلند کرد و گفت: پروردگارا! من به وسیله محمد و آل محمد(ص) به تو تقرب می جویم، پروردگارا! من به وسیله آقایم علی(ع) به تو تقرب می جویم و این عبارت را آنقدر تکرار کرد تا بر زمین افتاد، ما پس از ساعتی درنگ، او را بلند کردیم و دیدیم چشم از جهان فرو بسته است(حسین کوهکمری، ص ۲۰ تا ۲۲).

ابن عباس کسی است که از رسول خدا(ص)، ولایت امیرالمؤمنین علی(ع)، امام حسن، امام حسین و نه تن از فرزندان امام حسین(ع) را روایت کرده است.

برخی گفته اند که کلام ابن عباس فقط بیانگر عقیده و التزام نظری وی می باشد و نمی تواند دلیلی بر التزام عملی وی به امامت و ولایت ائمه باشد، در پاسخ می گوئیم که سیره عملی ابن عباس نیز نسبت به امام علی(ع)، امام حسن و امام حسین(ع) کاشف از ایمان، یقین و معرفت وی می باشد. در مباحث فقهی نیز، دیدگاه او به عنوان یک صحابی معتبر به دیدگاه اهل بیت بسیار نزدیک است.

در بحث وضو قائل به مسح سر، طبق روش اهل بیت بود و سرپیچی از آن را خلاف کتاب خدا می دانست(ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۵۶). وی در گروه مخالفان با تحریم ازدواج موقت از جانب خلیفه دوم بود و بر پایداری این سنت پیامبر اکرم(ص) تأکید داشت(احمد حنبل، جلد ۱، ص ۳۳۷).

ایشان قیاس را در فقه حجت نمی دانست و می گفت نخستین قیاس کننده شیطان بوده است و کسی که در دین بر پایه رأی خود قیاس کند، با شیطان همراه است(فخر رازی، جلد ۱۴، ص ۱۸۵).

### روایات نقل شده درباره ابن عباس

در مورد شخصیت ابن عباس روایاتی از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است که به جهت رعایت اختصار به ذکر چند مورد اکتفا می شود. نقل شده که روزی ابن عباس در منزل خاله اش میمونه(همسر رسول اکرم(ص)) آب وضوی پیامبر را آماده کرد، آن حضرت او را دعا کرد و فرمود: «اللهم فقهه فی الدین و علمه التاویل»(مقاله ابن عباس مندرج در دایره المعارف تشییح، ج ۶).

البته این حدیث به صورتهای دیگری نظیر:

اللهم علمه الحکمه و تأویل الکتاب، اللهم علمه الحکمه و تأویل القرآن، اللهم زده علما فقهه، اللهم بارک فیه و انتشر منه واجعله من عبادک الصالحین، نیز نقل شده است.

همچنین نقل است که پیامبر اکرم(ص) در مورد او فرمود: «لن یموت حتی یدهب بصره و یؤتی علمه» تا وقتی نابینا نشود و علم و دانش به وی نرسد، از دنیا نخواهد رفت(رک: به قمی عباس، سفینه البحار، ۱۵۰/۲ و سه مقاله در تاریخ تفسیر و نحو، دکتر سید محمدباقر حجتی، / ۸۹). محدث قمی در سفینه البحار می نویسد:

پدر ابن عباس او را برای کاری نزد رسول خدا(ص) فرستاد، ابن عباس خدمت پیامبر رسید، در حالیکه رسول خدا(ص) با جبرائیل راز می گفت و می شنید، ابن عباس را حیا مانع گشت که مبدا نجوای آن دو را قطع کند و جبرائیل را شناخت، لذا به سوی پدر بازگشت و مشاهدات خود را بازگو کرد، سپس دوباره نزد پیامبر رفت و توضیح داد که قبلاً شرفیاب شده بود ولی نخواسته بوده در چنان احوالی کار خود را به عرض برساند، رسول خدا(ص) ابن عباس را در آغوش کشید و دست به سینه او نهاد و فرمود:

« اللهم فقهه فی الدین و انتشر منه » (قمی، ۸/۲).

### دیدگاهها در مورد ابن عباس

از بررسی منابع مختلف در مورد ابن عباس می‌توان به اختصار مطالب زیر را در مورد وی بیان کرد:

- وی دارای شخصیتی ممتاز و موقعیت اجتماعی مطلوبی در صدر اسلام بوده و در کودکی مشمول دعای پیامبر اکرم(ص) قرار گرفته و در ادب، شعر، لغت و علم تفسیر صاحب نظر بوده است.
- وی از شاگردان خاص امام علی(ع) بوده و در جنگهای سه گانه حضرت با ناکثین، قاسطین و مارقین در کنار ایشان بوده است.
- در عین توصیفات و تمجیداتی که از ایشان شده است برخی از مستشرقان درباره وثاقت روایات تفسیری منسوب به او مناقشات جدی وارد کرده اند و اغلب پژوهشگران مسلمان نیز از مسئله وثاقت آراء ابن عباس کمتر سخن گفته اند و بیشتر بر مقام والای وی در دانش تفسیر تأکید کرده اند(رک: به مقاله نکاتی درباره آثار قرآنی منسوب به ابن عباس، مجله کتاب ماه دین، آذر و دی ۸۲).
- علامه حلی در شأن ابن عباس می‌گوید:

« کان محباً لعلی(ع) و تلمیذه، حاله فی الجلاله و الاخلاص الامیر المؤمنین(ع) أشهر من أن یخفی » ابن عباس از محبان و شاگردان علی(ع) بود و جلالت و اخلاص او نسبت به امیر المؤمنین (ع) مشهورتر از آن است که مخفی شود(حلی، علامه، ص ۱۹۰).

بطور کلی ابن عباس را باید مفسروعالمی بزرگ و مورد قبول فریقین دانست.

### مروری بر شکل گیری مکاتب تفسیری در صدر اسلام

به طور کلی در ابتدای شکل گیری تفسیر، به اعتبار مراکز که مفسرین در آن اجتماع کرده بودند، سه مکتب تفسیری شکل گرفت: ۱- مکتب مکه ۲- مکتب مدینه ۳- مکتب عراق

#### ۱- مکتب مکه

در رأس مکتب مکه ابن عباس قرار داشت. افراد شاخص این مکتب که از شاگردان معروف ابن عباس می‌باشند عبارتند از:

- سعید بن جبیر که به اعتراف شیعه و سنی از مفسران بزرگ قرآن محسوب می‌شود.
- عکرمه(متوفی ۱۰۵ ر.ق)، وی غلام ابن عباس بود ولی ابن عباس او را تربیت کرد و به یکی از شاخص ترین افراد در حوزه تفسیر تبدیل شد. برخی او را متهم به تفسیر به رأی کرده و برخی هم او را از خوارج دانسته اند.
- محدث قمی در سفینه البحار از قول علامه حلی نقل می‌کند که: عکرمه شیعه نبوده و متهم به تفسیر به رأی بوده است(قمی، شیخ عباس، جلد ۲، صفحه ۲۱۶).

همچنین ذهبی در مورد وی می‌گوید: او متهم به تفسیر به رأی بوده و از خوارج محسوب می‌شده است(الذهبی، ج ۳، ص ۹۳).

- مجاهد(متوفی ۱۰۴ق)، وی هم از شاگردان ابن عباس است که برای اجتهاد و تعقل در تفسیر اهمیت بیشتری قائل بود، یعنی آیات را به گونه ای تفسیر می‌کرد که چندان با ظواهر الفاظ قرآن سازگاری نداشت. برخی ادعا کرده اند که تفسیر او مبنای روش معتزلی قرار گرفته است به همین دلیل مشهور شد که وی اهل تفسیر به رأی بوده است.

به عنوان نمونه مرحوم طبری در مورد آیه شریفه « فقلنا لهم کونو قرده خاسئین »(سوره بقره/۶۵)، از مجاهد نقل می‌کند که: این یک بیان تمثیلی است، یعنی قلب آنها مسخ شده، نه اینکه خودشان مسخ و به بوزینه تبدیل شده باشند(طبری، جلد ۱، ص ۱۲۹).

- عطاء بن ریح(متوفی ۱۱۴قمری)، وی هم از شاگردان ابن عباس بود ولی برخلاف سایر شاگردان وی در تفسیر قرآن بیشتر بر سنت تأکید می‌کرد.

بزرگان مکتب مکه همه از شاگردان ابن عباس هستند ولی هم روش تفسیر عقلی و هم روش تفسیر نقلی در بین آنها وجود داشته است.

- ۲- مکتب مدینه: مکتب مدینه در زمان تابعین شکل گرفت. ویژگی خاص مدینه نسبت به مکه و عراق وجود ائمه معصومین در این شهر است، برخی از امامان معصوم(ع) تمام عمر خود را در مدینه به سر بردند و حدود ۲۰۰ سال یعنی از سال ۵۰ تا ۲۶۰ هجری قمری معصومین در این شهر حضور داشتند.

یقیناً بخشی از تعالیم آنان، تفسیر آیات قرآن بوده است که شاگردان فراوانی نیز در این زمینه تربیت کرده اند.

البته برخی از شاگردان خاص ائمه معصوم(ع) مانند ابو حمزه ثمالی، سلیمان بن مهران، ابان بن تغلب و محمد بن مسلم که در تقسیم بندی های موجود جزء هیچ یک از مکاتب تفسیری قرار ندارند در صدر مفسران قرآن قرار داشتند.

در مکتب مدینه نیز هم تفسیر به روش نقلی وجود داشت و هم به روش عقلی و اجتهادی.

- ۳- مکتب عراق: از نظر جغرافیایی دو بخش است: کوفه و بصره.

در صدر کسانی که در کوفه پایه گذار تفسیر بوده اند، باید از امام علی(ع) نام برد. بعد از ایشان عبدالله بن مسعود از مفسران معروف قرآن در آن عهد است.

اکثریت کسانی که در عراق مشغول تفسیر و تبلیغ قرآن بودند از شاگردان امام علی(ع) یا ابن مسعود بوده‌اند. در عراق هم مانند مکه و مدینه هم روش عقلی و اجتهادی وجود داشت و هم روش نقلی.

### مقام تفسیری ابن عباس

تعداد بسیار کمی از صحابه رسول خدا(ص) در زمره مفسران قرآن به حساب آمده اند و در همین عده اندک نیز تعداد روایات تفسیری نقل شده از هر یک متفاوت است.

سیوطی در الاتقان در این باره می نویسد:

« از میان صحابه، ده نفر به نام مفسر قرآن شهرت یافتند که عبارتند از: خلفای اربعه (ابوبکر، عمر، عثمان و علی(ع))، ابن مسعود، ابن عباس، ابن بی کعب، زید بن ثابت، ابو موسی اشعری و عبدالله بن زبیر و ... روایات تفسیری سه خلیفه نخست، بسیار اندک است و آن به دلیل رحلت زودهنگام آنان و اشتغالشان به مسائل خلافت و حکومت و وجود عالمان و آگاهان به قرآن در زمان آنان بوده است؛ اما در میان خلفای اربعه، بیشترین روایات تفسیر قرآن از علی بن ابی طالب نقل شده است... همچنین از ابن عباس، روایات تفسیری ابن عباس، ابن مسعود و ابی بن کعب فراوان است... اما باقی افراد هر چند که شهرت به تفسیر دارند؛ اما روایات زیادی از آنان به ما نرسیده است» (سیوطی، ص ۴۹ و ۵۰).

منابع تفسیری ابن عباس شامل موارد زیر بود:

- قرآن کریم

- سخنان پیامبر اکرم(ص) و صحابه بخصوص حضرت علی(ع)

- اخبار اهل کتاب(یهود و نصاری)

- اجتهاد خویش

- اشعار جاهلیت عرب

وی به ویژه برای فهم واژگان غریب قرآن به اشعار زمان جاهلیت استناد می کرد(بهار دوست، ص ۱۳۳-۱۲۹).

### تفسیر منسوب به ابن عباس

ابن عباس در علم تفسیر قرآن دارای جایگاه ممتاز و بی بدیلی است، او نه تنها در زمان خود، بلکه بعد از آن نیز سرآمد بود و کسی در این علم به حد او نرسید. هر چند برخی بر این باورند که شهرت و نفوذ وی در تفسیر هم‌زمان با شروع اقتدار سیاسی خلفای عباسی شکل گرفت و با ثبات خلفای عباسی به اوج خود رسید و با زوال آنان رو به افول نهاده است(برگ هربرت، دو ماهنامه آینه پژوهش، سال بیستم، شماره ۴، مهر و آبان ۸۸).

ویژگیهای روایات تفسیری ابن عباس از این قرار است: توجه به مفهوم لغوی کلمات، تفسیر آیه به آیه، بیان اسباب نزول، داستان پردازانه و قصصی بودن روایات، توجه به افعال و عادات عرب و اجتهادات ابن عباس(بابایی، ۱۶۶-۱۵۵).

ابن عباس از ترکیب لغت، روایت و رأی و اجتهاد، روش تفسیری پی ریزی نمود که اساس و پایه تفسیر در اسلام و الهام بخش همه مفسران بعد قرار گرفت.

هر چند واژه های غریب قرآن و حدیث در کتب غریب القرآن و غریب الحدیث و اکثر کتب تفسیری آمده است ولی ابداع این روش به وسیله ابن عباس صورت گرفت و دیگران به گسترش و بارور شدن آن کمک کردند.

امروز کتاب یا نوشته ای در تفسیر قرآن که توسط خود ابن عباس نوشته شده باشد در دسترس قرار ندارد، بلکه اصل نگارش چنین کتابی مورد تردید جدی است و کتاب شناسان نیز از وجود آن خبر نداده اند، ولی کتابهایی که به نام او جمع آوری، یا مطالب آنها از او نقل شده وجود دارد. در مجموع سه کتاب تفسیر به شرح زیر از ابن عباس شهرت یافته است:

۱- تفسیری که مجاهد بن حبر روایت کرده و ابن ندیم آن را در الفهرست با دو روایت آورده است.

۲- تفسیر معروف به تنویر المقیاس من تفسیر عبدالله بن عباس که محمد بن یعقوب فیروزآبادی، صاحب قاموس آن را گردآوری نموده و هم در حاشیه تفسیر درالمنثور چاپ شده و هم به صورت مستقل بارها به چاپ رسیده است.

۳- تفسیر ابن عباس از صحابه که توسط ابو احمد عبدالعزیز بن یحیی جلوزی(متوفان ۳۳۲ه) گردآوری شده است.

اشتشهاد به اشعار جاهلی در تفسیر قرآن



با نگاهی به آثار تفسیری و روایی صدر اسلام متوجه می‌شویم که مهمترین محور دقت و کنکاش مفسران طبقه نخست، متوجه نقل حدیث و سپس دقت در معانی لغوی واژگان قرآنی بوده است (اسلامی، هاشم. سنجش تطبیقی تفسیر اهل بیت و صحابه، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، شماره ۵ و ۶، بهار و تابستان ۱۳۷۵).

از مصادر مهمی که در فهم الفاظ و کلمات قرآن اهمیت داشته و مفسران اولیه از آن بهره برده اند، شعر عرب است و ابن عباس اولین و سرآمدترین مفسری است که از این مصدر به نحو احسن استفاده کرده و در فهم الفاظ غریب قرآن از شعر بسیار مدد گرفته و در تفسیر بدان استشهاد کرده است (سیوطی، ص ۲۵۸).

بعد از او افرادی مانند سعید بن جبیر، عکرمه، ضحاک بن مزاحم، ابن زید، اسماعیل سیدی کوفی که جزء تابعان و اتباع تابعان و غالباً از شاگردان ابن عباس می‌باشد، به این روش اتکا کرده و در تفسیر برخی مفردات آیات از شعر عرب به عنوان پشتوانه معنایی الفاظ استفاده کرده اند (رک: طیار ص ۷۳ تا ۷۶).

بهره‌گیری ابن عباس از لغت و شعر عرب جاهلی به اندازه‌ای است که برخی شهرت علمی تفسیر ایشان را نتیجه تبحر و آشنایی وی به لغت عرب می‌دانند و او را خالق و بنیانگذار شیوه تفسیر لغوی قرآن به حساب می‌آورند (رک: قربانی زربین، دانشنامه جهان اسلام، مقاله تفسیر ادبی). از آنجا که شعر، قدرتمندترین گنجینه لغت عرب است و نیز برای شناخت لغات مهجور و غریب بهترین مأخذ به شمار می‌آید و شعر جاهلی از نظر تاریخی بر نزول قرآن مقدم بوده، شناسنامه معنوی هر واژه محسوب می‌شود، پایه و مبنای این عقیده ابن عباس را که باید برای درک معنای واژگان غریب قرآن از آن کمک گرفت را شکل می‌دهد (حریچی، ص ۵۰۴).

سیوطی از ابن انباری از قول ابن عباس آورده است که: شعر دیوان واژه نامه عرب است، سپس هر گاه لفظی از قرآنی که خداوند، آن را به زبان عرب نازل فرموده بر ما مخفی بود، به دیوان عرب رجوع نموده و شناخت آن از جستجو می‌کنیم (سیوطی، ص ۲۵۸).

طبری نیز از او روایت کرده که: هر گاه چیزی از قرآن مبهم و پوشیده بود، در شعر بنگرید زیرا شعر عربی است (بابایی، ج ۱، ص ۱۵۷). روش لغوی ابن عباس تا دوره تابعان و پس از آن نیز ادامه داشت، تا جایی که میان فقیهان و اهل لغت نزاع در گرفت و آنها این روش را مردود شمرده و گفتند که اگر برای فهم معنای غریب قرآن به شعر اشتهاد گردد، در واقع شعر اصل و قرآن فرع قرار داده می‌شود و این در حالی است که قرآن و حدیث شعر را مذمت کرده اند (سیوطی، ص ۲۵۸).

صاحبان این فکر دچار خطا شده اند، زیرا در این روش، شعر برای قرآن اصل و مبنا در نظر گرفته نشده است، بلکه در واقع شعر بیان‌کننده و آشکار کننده واژگان غریب قرآن است. این در حقیقت زدودن جهل نسبت به معانی واژه‌ها در کاربردهای فصیحان عرب و افزایش علم به زبان عربی فصیح است، نه اینکه قرآن را فرع و تابع شعر عرب قرار داده باشیم (بابایی، جلد ۱، ص ۱۵۸ و ۱۵۹).

در این کار منظور، تبیین واژه‌های دشوار قرآن به وسیله شعر عربی است، زیرا قرآن کتابی است که به زبان عرب نازل گردیده است، خداوند در وصف قرآن می‌فرماید: *أنا جعلناه قرآناً عربياً (زخرف/ ۳)* و در آیه دیگر می‌فرماید: *هذا لسانُ عربی مبین (نحل / ۱۰۳)*.

در واقع مفسر قرآن سخن اهل لغت را به عنوان شاهد و پشتوانه بررسی می‌کند تا با آگاهی و اطلاعات بیشتری به تبیین مراد خداوند از آیات بپردازد و این هرگز به معنای فرع قرار دادن قرآن نیست؛ زیرا همه این تلاشها و مراجعات در جهت بهره‌مند شدن بیشتر از قرآن و فهم مراد خدای متعال است (رفیعی، ص ۲۱).

### ویژگیهای خاص مکتب تفسیری ابن عباس

در میان روایات تاریخی تأسیس مکتبی را در تفسیر قرآن ابن عباس نسبت می‌دهند، که در اصطلاح مفسران مکتب مکه نام دارد، که شاگردان نام آور وی این دیدگاه تفسیری را دنبال نموده و به عنوان یک مدل و مبدأ قابل اتکا مبنای کار مفسران بعد از آنان قرار گرفت.

برخی از دیدگاههای خاص تفسیری ابن عباس به شرح زیر است:

- پذیرش وجود کلمات غیرعربی در قرآن (احمد اسماعیل، ج ۱، ص ۴۴۹).
- قابل تفسیر دانستن حروف مقطعه (خطیب بغدادی، ج ۱، ص ۴۳۵). و دلالت این حروف بر اسم اعظم خداوند (طبری، ج ۱، ص ۶۷ و ۶۸).
- اعتقاد به عدم رؤیت خداوند توسط انسان، طبری ذیل آیه ۱۰۳ سوره انعام، از قول ابن عباس آورده است که چشم آدمی قدرت احاطه بر خداوند را ندارد. در مصادر اباضی و معتزلی نیز قول به عدم رؤیت خداوند به ابن عباس نسبت داده شده است (احمد اسماعیل نوفل، ج ۱، ص ۵۳۸).

● پذیرش عالم ذر، در تفسیر آیه ۱۷۲ سوره اعراف چند روایت دال بر پذیرش قول به عالم ذر از ابن عباس نقل شده (طبری، ج ۹، ص ۷۵ تا ۲۷۷)، که برخی از آنها تعبیراتی حاکی از عقیده به جبر دارد (طبری، ج ۹، ص ۷۶).  
او ویژگی دیدگاه تفسیری خود را در تفسیر قرآن اینگونه بیان می‌کند:  
تفسیر چهار گونه است: نخست: آن نوع که عرب با بهره‌گیری از زبان خویش می‌فهمد. دوم: گونه‌ای که هیچ فردی در دانستن آن معذور نیست. سوم: آن گونه که تنها دانشمندان می‌دانند. و چهارم: آنکه کسی جز خداوند از آن آگاهی ندارد (طبری، ج ۱، ص ۲۶).  
به طور کلی می‌توان مبانی تفسیری ابن عباس را در موارد زیر خلاصه کرد:

### ۱- فهم مقاصد قرآن با مراجعه به خود قرآن

در فهم مقاصد قرآن تا حد امکان باید به خود قرآن مراجعه شود، زیرا بهترین دلیل بر مقصود هر گوینده‌ای، قرائن و نشانه‌های لفظی است که در کلام خود او آمده و آنها را تکیه‌گاه گفتار خودش قرار داده است.

هر مفسری بخواهد در وادی تفسیر قرآن گام بردارد، نمی‌تواند آیه‌ای را بدون بررسی کامل و جستجو در قرائن بازدارنده از ظاهر مقام و توضیحاتی که در آیه‌های دیگر ذکر شده است، تفسیر کند.

ابن عباس در تفسیر خود بر همین منوال سیر کرده است (ر ک: به تفسیر و مفسران آیت ... معرفت، جلد ۱).

### ۲- رعایت اسباب نزول و شأن نزول

آیات و سوره‌های قرآن به تدریج و در فواصل زمانی مختلف و مناسبت‌های گوناگون نازل شده است، لذا آیه‌ای که در مناسبتی خاص و برای حل مشکلی خاص نازل شده باشد، با آن حادثه رابطه تنگاتنگ دارد به شکلی که اگر شناخت آن حادثه یا مناسبت میسر نشود، فهم هدف اساسی آیه نیز امکانپذیر نخواهد شد.

ابن عباس در این زمینه چنان مهارت یافته بود که آیات مکی را از مدنی به راحتی جدا می‌ساخت. ابو عمر و بن علا از مجاهد درباره تشخیص آیات مدنی از مکی سؤال کرد. وی گفت: در این باره از ابن عباس پرسیدم و او موضوع را به تفصیل برایم بیان کرد. ابن عباس نیز به نوبه خود در این باره از ابی بن کعب پرسش می‌نمود. وی تمام موارد اسباب نزول را به نیکی آموخته بود به طوری که آیات حضری را از سفری و لیلی را از نهاری، به راحتی بازمی‌شناخت و می‌دانست درباره چه کسی و چه وقت و در کجا نازل شده است، اولین آیه نازل شده کدام است و آخرین آن کدام و اموری دیگر که به مهارت و نبوغ او در تفسیر قرآن گواهی می‌دهد (سیوطی، جلد ۱، ص ۵۱ تا ۵۶ و ۷۰، ۷۹، ۷۴، ۷۱).

### ۳- تأکید بر تفسیر منقول:

او در بیان اینکه در تفسیر خود بر احادیث مأثور و دارای مأخذ درست تأکید کند می‌گوید:

بیشتر اندوخته‌های تفسیری خویش را از علی بن ابیطالب آموختم (ابن طاووس، ص ۲۸۵).

همچنین مراجعه او به صحابه برای به دست آوردن سخنان پیامبر درباره مسائل دینی و از جمله احادیث تفسیری، دلیل دیگری بر توجه بالای او به تفاسیر صحیح منقول از پیامبر است.

### ۴- اطلاعات ادبی گسترده

به این دلیل که قرآن به زبان عربی فصیح نازل شده است، هر گاه فهم کلمات آن برای کسی مشکل باشد، باید برای فهم آن به کلام فصیح عرب معاصر نزول قرآن مراجعه کند.

لذا مشاهده می‌کنیم ابن عباس هر گاه با موارد ابهام در قرآن مواجه می‌شد یا در فهم واژه‌ای دچار اشکال می‌گردید به اشعار فصیح دوران جاهلیت و سخنان بلند و بدیع آنان روی می‌آورد.

ابن انباری از طریق عکرمه از ابن عباس نقل می‌کند که گفت: اگر می‌خواهید سؤالی از من درباره واژه‌های ناآشنای قرآن بپرسید به شعر عرب مراجعه کنید، چون شعر واژه‌نامه عرب است.

چون در این زمینه قبلاً توضیحات کاملتری آورده ایم از تطویل بیشتر خودداری می‌کنیم.

### نتیجه

عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب از صحابی معروف رسول اکرم (ص) و یاران امام علی (ع) شخصیتی دانشمند و صاحب نام بوده است. وی در علمی نظیر حدیث، فقه، تاریخ و علم لغت سرآمد روزگار خود بوده و به ویژه در علم تفسیر جایگاهی رفیع دارد به گونه‌ای که او را پدر علم تفسیر نامیده‌اند.

او دارای مکتب و دیدگاه تفسیری خاص است که در بین مکاتب تفسیری موجود به مکتب مکه معروف شده است.



# دومین کنگره بین‌المللی علوم اسلامی، علوم انسانی

دی ماه ۱۳۹۹ - تهران

منابع تفسیری ابن عباس عبارتند از قرآن کریم، سخنان پیامبر اکرم(ص) و صحابه به خصوص حضرت علی(ع)، اخبار اهل کتاب، اشعار جاهلیت عرب و اجتهاد خویش.

روش لغوی ابن عباس در تفسیر مورد توجه علمای این علم قرار گرفته و تا دوره تابعان و پس از آن نیز ادامه یافته است. ابن عباس با ترکیب منابع ذکر شده مکتبی را در علم تفسیر قرآن پایه ریزی نمود که اساس تفسیر در اسلام واقع شد و مفسران بعدی از او الهام گرفتند.

## منابع و مأخذ

- القرآن الکریم
- ابن حجر العسقلانی ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان.
- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، مکتب آیت ... مرعشی نجفی.
- ابن طاووس ، سعدالسعود، دارالذخایر، قم.
- ابن ماجه، سنن ابن ماجه،تحقیق محمد فواد عبدالباقی،داراحیاءالکتاب العربیه.
- البخاری، محمدبن اسماعیل، ناشر شیخ الاسلام احمد جام، ۱۳۸۷ش.
- احمد حنبل، مسند، مؤسسه الرساله، بیروت، لبنان، ۱۴۱۶قمری.
- احمد اسماعیل نوفل، مجاهد، المفسر و التفسیر، قاهره، ۱۹۹۰م.
- الذهبی، شمس الدین، میزان الاعتدال فی نقدالرجال، دارالفکر بیروت لبنان.
- بابایی، علی اکبر، مکاتب تفسیری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ چهارم، ۱۳۸۹ش.
- برگ هربرت، ابن عباس در تفاسیر دوره عباسیان، دو ماهنامه آئینه پژوهش مهر و آبان ۸۸.
- بهار دوست، علیرضا، تفسیر صحابه دانشنامه جهان اسلام، جلد ۷، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۸۲ش.
- حریری، فیروز، نقش شعر در فهم معانی قرآن کریم، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، تابستان و پاییز ۷۷.
- حسینی کوهکمری، حراز رازی، کفایه الاثر فی النص علی الاثمه الاثنی عشر، بیدار قم، ۱۴۰۱ق.
- حلّی، علامه حسن بن یوسف، ترتیب خلاصه الاقوال فی معرفه الرجال، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱ش.
- خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، دارالغرب الاسلامی.
- رازی، فخرالدین، تفسیر کبیر، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان.
- رفیعی، ناصر، نگاهی به مصادر و مأخذ تفسیر قرآن کریم، مجله طلوع، شماره ۱، بهار ۸۱.
- سیوطی حافظ جلال الدین عبدالرحمن، الانتقال فی علوم القرآن، لبنان، مؤسسه الرساله ناشرون، ۲۰۰۸م.
- طبری، محمدبن جریر، جامع البیان عن تأویل القرآن، دارالاعلام.
- طبری، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، انتشارات فراهانی، تهران.
- طیار، مساعبدین سلیمان، التفسیر اللغوی للقرآن الکریم، دارابن الجوزی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، نشر اسوه، قم، ۱۴۱۴ق.
- معرفت، محمد هادی، التفسیر والمفسرون، دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد.